


نقش انقلاب اسلامی ایران در افول قدرت امریکا در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای

قاسم روانبخش / استادیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

ravanbakhsh@iki.ac.ir  orcid.org/0000-0002-7308-0924

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

چکیده

براساس نظریه کارشناسان و نظریه‌پردازان سیاسی، نظام سیاسی امریکا در عرصه‌های گوناگون فکری و عملی، رو به افول است و جهان در آستانه شکل‌گیری نظم نوین قرار گرفته است. افول قدرت امریکا هرچند معلول عوامل متعددی است، اما در اندیشه و مکتب دفاعی امام خامنه‌ای نقش انقلاب اسلامی در افول قدرت امریکا بسیار مهم و اساسی است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین نقش انقلاب اسلامی ایران در افول قدرت امریکا در اندیشه و مکتب دفاعی امام خامنه‌ای سامان یافته است. براساس نتایج به‌دست‌آمده، انقلاب اسلامی ایران نه‌تنها در عرصه حیاتی ایدئولوژیک، بلکه در عرصه‌های چندوجهی سیاسی و نظامی هم توانسته است قدرت و امپریالیزم امریکا را در منطقه و جهان با چالش‌هایی جدی روبه‌رو کند.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی ایران، افول قدرت، امریکا، اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای.

از نگاه برخی نظریه پردازان سیاسی، پس از فروپاشی نظام استکباری شوروی (سابق)، عملاً نظام دوقطبی پایان یافت و جهان بسان دهکده‌ای تحت اشراف و کدخدایی امریکا قرار گرفت. در این نظم نوین جهانی، همه کشورهای جهان، حتی برخی کشورهایی که از قبل، جزو اقمار شوروی (سابق) به حساب می‌آمدند در زمره کشورهای تحت اشراف امریکا درآمدند. قدرت بلامنازع امریکا به گونه‌ای شد که حتی قدرت‌های صاحب حق «وتو» در شورای امنیت سازمان ملل بدون اجازه امریکا نمی‌توانستند تصمیمی بگیرند، بلکه همواره می‌کوشیدند در تصمیمات بین‌المللی، با امریکا همراه باشند و یا - دست کم - سکوت کنند. اینجا بود که فرانسویس فوکویاما، نظریه پرداز امریکایی، نظام سرمایه‌داری و لیبرال - دموکراسی را تنها و آخرین نظامی دانست که می‌تواند برای بشریت صلح، امنیت و رفاه را به ارمغان بیاورد و جهان با همین نظم نوین پایان خواهد یافت (ر.ک. فوکویاما، ۱۳۹۵).

شاید کمتر کسی باور می‌کرد که در این دهکده، کشوری به نام ایران - آن هم طبق تقسیم‌بندی خودشان، از جنس کشورهای جهان سوم - با تکیه بر مبانی اسلام ناب بدون تکیه بر شرق یا غرب و با شعار «نه شرقی، نه غربی» پا به میدان گذاشته، با تدبیر و عقلانیت در برابر قدرت یکه‌تاز جهانی بایستد و نظم نوین ادعایی استکبار جهانی را به هم بریزد و کار به جایی برسد که نه تنها فوکویاما از نظریه‌اش درباره لیبرال - دموکراسی برگردد، بلکه بسیاری از اندیشمندان غربی و حتی امریکایی نیز از افول و پایان سلطه لیبرالیسم و فروپاشی نظام سرمایه‌داری سخن بگویند.

بر اساس جست‌وجوی صورت‌پذیرفته، تاکنون مقاله‌ای با این عنوان و با تکیه بر منظومه فکری امام‌خامنه‌ای نوشته نشده است. بنابراین، مقاله فاقد پیشینه خاص است. نویسنده در مقاله حاضر می‌کوشد به این پرسش اصلی پاسخ گوید که براساس اندیشه و مکتب دفاعی امام‌خامنه‌ای، انقلاب اسلامی ایران چه نقشی در افول قدرت امریکا داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش، به سؤال‌های فرعی ذیل جواب خواهیم داد:

الف) انقلاب اسلامی ایران چه نقشی در افول ایدئولوژی نظام سیاسی امریکا داشته است؟
ب) انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری بر افول سیاسی امریکا در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی گذاشته است؟

ج) انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری بر افول قدرت نظامی امریکا داشته است؟

۱. بررسی مفاهیم

۱-۱. «انقلاب اسلامی»

«انقلاب» در لغت به معنای درآمدن از صورتی به صورتی و دگرگون شدن است. «انقلاب» در اصطلاح، ابتدا در اخترشناسی برای جنبش‌های ستارگان و خورشید (انقلاب شتوی و انقلاب صیفی) به کار می‌رفت. از سده هفدهم میلادی در اروپا و از زمان انقلاب مشروطیت در ایران، به استعاره برای خیزش‌های سیاسی و اجتماعی به کار رفته و

از آن پس در کاربردهای تازه خود، معنای «دگرگشت اساسی یا کامل شیوه تولید» (انقلاب صنعتی، انقلاب فناوریانه و جز آن)، یا دگرگونی بنیادین در نظام اجتماعی و سیاسی (انقلاب فرانسه، روسیه، و مانند آنها) یا در جنبه‌ای از زندگی فرهنگی، اجتماعی و فکری (انقلاب علمی، انقلاب فرهنگی و غیر آن) به خود گرفته است.

اما آنچه موضوع نظریه‌های انقلابی و همچنین شناخت معنای اجتماعی انقلاب‌هاست دگرگونی‌های شدید ناگهانی است که بر اثر انقلاب در ساحت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه روی می‌دهد (آشوری، ۱۳۸۰، ص ۴۷). کوهن پس از نقل تعاریف متعدد نتیجه می‌گیرد: ابعدی که معمولاً تحول انقلابی با آنها همراه است از این قرارند:

۱. استحاله ارزش‌ها یا دگرگونی اسطوره‌های جامعه؛

۲. تغییر ساختار اجتماعی؛

۳. دگرگونی نهادها؛

۴. تغییراتی در صورت‌بندی رهبری، چه در افراد گروه نخبه حاکم یا در ترکیب طبقاتی آنها؛

۵. انتقال غیرقانونی یا ضد قانونی قدرت؛ حضور یا حاکمیت رفتار خشونت‌آمیز که در قالب وقایعی آشکار می‌گردد که به فروپاشی رژیم می‌انجامد (همان، ص ۶۳).

انقلاب اسلامی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «تغییر حاکمیت طاغوت (هر تجاوزگر و یا معبودی غیر از خدای متعال) به منظور استقرار حاکمیت الله». انقلاب اسلامی یک انقلاب سیاسی محض نیست، بلکه به تجدید حیات اسلام در تمام وجوه و ابعاد آن نظر دارد و متضمن بازگشت به اصول اساسی اسلام به‌مثابه تنها مکتب جامع و اصیل و حاوی طرح کاملی برای زندگی و تضمین‌کننده عدالت و صلح و امنیت و آزادی و ارتقای فرهنگی و معنوی انسان است (همان، ص ۳۰۲).

برخی انقلاب اسلامی را تحول کیفی تکاملی جامعه و تغییر به وضعیتی عالی در زمینه‌ها و جهات گوناگون دانسته‌اند. به عبارت دیگر، انتقال از اوضاع ناصواب و فاسد به اوضاع سلیم و صالح است، نه انتقال مکانی و جغرافیایی صرف، نظیر جابه‌جا شدن حکام یا متصدیان امور. تغییر احوال یک ملت به‌گونه‌ای که هریک از اشخاص به اندازه‌ای تغییر احوال می‌دهند و به صلاح می‌آیند (فارسی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۲).

بهترین و جامع‌ترین تعریف برای «انقلاب اسلامی» چنین است: تحولاتی عمیق و بنیادین که با الهام از دین اسلام علیه نظم حاکم در ساحت سیاست، فرهنگ و اقتصاد مملکتی پدید می‌آید و به حاکمیت ارزش‌های اسلامی و حاکمیت صالحان می‌انجامد (نوروزی، ۱۳۹۲، ص ۳۳).

۲-۱. «افول»

«افول» در لغت متضاد طلوع، و به معنای غروب، انحطاط، زوال، نابودی، فرورفتن، ناپیدی، و از دید رفتن آمده (ر.ک: معین، ۱۳۷۷؛ دهخدا، ۱۳۷۸؛ عمید، ۱۳۸۰، ذیل واژه «افول») و در اصطلاح به معنای کاهش نسبی قدرت سلطه است که با تضعیف هنجارها و نهادهای بین‌المللی مطلوب یک ابرقدرت همراه است (کلارک، ۲۰۱۱، ص ۲۰).

«قدرت» در لغت به معنای توانستن، توانایی داشتن، توانایی انجام دادن کاری یا ترک آن، توانایی، نیرو، سلطه، و نفوذ فرمان (ر.ک: معین، ۱۳۷۷؛ عمید، ۱۳۸۰، ذیل واژه «قدرت») و در اصطلاح علوم سیاسی به مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی اطلاق می‌شود که موجب اطاعت فرد یا گروه توسط فرد یا گروه دیگر می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۶۷-۱۳۶۸، ص ۵۶) و یا به وجود یک اراده مستولی گفته می‌شود که اراده‌های دیگر در طول آن قرار دارد (بخشایشی اردستانی، ۱۳۷۶، ص ۷۳).

۴-۱. «اندیشه دفاعی»

اندیشه و تفکر فرایندی است که در آن عقل به‌مثابه ابزار محوری به کار می‌رود و ذهن با مرور معلومات، دانش‌ها و شهود درصدد کشف یک مجهول، حل مسئله و افق‌گشایی آینده برمی‌آید. اندیشه یا تفکر دفاعی نوعی دوراندیشی، آینده‌نگری و روشن‌بینی عمیق است که در قالب طرح‌ها و برنامه‌های دقیق راهبردی موجب تأمین منافع ملی کشور در زمینه‌های گوناگون در حال و آینده می‌شود (مرادپیری، ۱۳۹۱، ص ۴۴).

به بیان دیگر، اندیشه دفاعی نوعی آینده‌نگری در حوزه‌های گوناگون، از جمله حوزه نظامی - دفاعی است که در قالب تدابیر، رهنمودها و برنامه‌های دقیق راهبردی موجب صیانت از امنیت ملی شده، کشور را در برابر هرگونه تهدیدی مصون نگه می‌دارد.

۲. مؤلفه‌های اندیشه دفاعی مقام معظم رهبری

با توجه به اینکه سیاست‌های کلی و راهبردی نظام در قلمرو سیاست خارجی و رهنامه (دکترین) نظامی و دفاعی کشور توسط رهبری انقلاب اسلامی تعیین و ابلاغ می‌شود، اندیشه دفاعی *امام‌خامنه‌ای* به‌گونه‌ای تنظیم شده است که انقلاب اسلامی و کشور، هم از قدرت دفاعی بالا برخوردار باشد و هم بتواند در وقت لزوم به مواضع فکری و نظامی دشمن هجوم ببرد. به همین سبب پس از پایان جنگ ایران و عراق، علی‌رغم اینکه انقلاب اسلامی ایران همچنان از سوی نیروهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تهدید می‌شد، ایشان بازدارندگی را به‌عنوان پایه اصلی رهنامه نظام ایران نسبت به تهدیدات فزاینده تعیین نمود و رویکردی همه‌جانبه به مقوله دفاع داد (مرادپیری، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴).

با تأمل و درک صحیح از تحلیل محتوای بیانات ایشان و ماهیت قدرت سخت و نرم می‌توان «گفتمان‌سازی»، «دیپلماسی منطقه‌ای»، «راهبردهای دفاع ترکیبی»، «مواجهه فعالانه و کاربست راهبرد» و «شیوه‌های مؤثر» را از مؤلفه‌های مهم اندیشه دفاعی *امام‌خامنه‌ای* دانست. البته تبیین همه مؤلفه‌های مزبور در یک مقاله میسر نیست. از این‌رو در مقاله حاضر، بر دو مؤلفه «گفتمان‌سازی» و «دیپلماسی منطقه‌ای» تکیه می‌کنیم. بدین‌روی:

اولاً، در اندیشه دفاعی *امام‌خامنه‌ای* تکیه بر ایدئولوژی و مکتب اسلام ناب و گفتمان‌سازی براساس آن می‌تواند نقش مؤثری در تقویت بنیه نظام اسلامی و تضعیف و نابودی مکاتب دست‌ساخت بشری (از جمله لیبرال - دموکراسی

که مبنای نظام‌های غربی از جمله امریکاست) ایفا کند. آن گونه که در ادامه شرح داده خواهد شد، سقوط ایدئولوژیک یک نظام سیاسی مقدمه سقوط فیزیکی آن نظام است. از منظر *امام خامنه‌ای* نقش انقلاب اسلامی در افول و سقوط مکتب پشتوانه نظام سیاسی (لیبرالیسم) و ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر آن بسیار شفاف است.

ثانیاً، دیپلماسی دفاعی منطقه‌ای نیز یکی از راهبردهای مهم انقلاب اسلامی در جهت تضعیف و به افول بردن نظام سیاسی امریکا به حساب می‌آید. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

ما باید در دیپلماسی موضع فعال داشته باشیم، بخصوص در مسائل منطقه که امروز مسائل بسیار پیچیده‌ای است؛ مسائل سوریه، عراق، لبنان، شمال آفریقا، افغانستان و پاکستان. مسائل فوق‌العاده پیچیده‌ای است. خیلی لازم است که با دقت و هوشیاری وارد میدان شویم (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۵/۶/۳).

دیپلماسی فعال منطقه‌ای ایران و حمایت قاطع از جبهه مقاومت و نهضت‌های آزادی‌بخش موجب فرار امریکا از منطقه (از جمله افغانستان، عراق، یمن و لبنان) شده است.

بنابراین در حوزه نقش انقلاب اسلامی در سقوط ایدئولوژیک نظام سیاسی امریکا، انقلاب اسلامی توانسته است در یک مهندسی معکوس، نظام سیاسی لیبرالیستی امریکا را با چالش‌های جدی ایدئولوژیک مواجه سازد؛ همچنان که با توسعه قدرت منطقه‌ای خودش و تقویت بنیان‌های علمی - فناوری کشور، توانسته است رسوایی امریکای مدعی ابرقدرتی را به مردم جهان نشان دهد.

۳. تبیین نقش انقلاب اسلامی در افول قدرت امریکا

افول یک تمدن یا نظام سیاسی در فرایند خاصی و در ابعاد گوناگونی صورت می‌گیرد که از جمله آنها می‌توان به شکست ایدئولوژی، از دست رفتن اقتدار و مشروعیت سیاسی، و بی‌اعتبار شدن جایگاه بین‌المللی آن نظام اشاره کرد. با ظهور شاخص‌های مزبور در یک تمدن یا نظام سیاسی می‌توان گفت: آن تمدن یا نظام سیاسی در شیب افول و فروپاشی قرار گرفته است. نیم‌نگاهی به وضعیت ایالات متحده امریکا نشان می‌دهد که این نظام سیاسی در سراسری افول و فروپاشی قرار گرفته است.

بی‌تردید هر پدیده‌ای از جمله افول و فروپاشی یک تمدن یا نظام سیاسی می‌تواند عوامل گوناگونی داشته باشد. اما آنچه به موضوع پژوهش حاضر مربوط می‌شود بررسی میزان تأثیر انقلاب اسلامی ایران در افول قدرت امریکا در اندیشه *امام خامنه‌ای* است.

۱-۳. نقش انقلاب اسلامی در افول ایدئولوژی نظام سیاسی امریکا

«ایدئولوژی» از شاخص‌های اصلی اقتدار یک نظام است. چنانچه ایدئولوژی یک نظام سیاسی تضعیف شود یا به شکست بینجامد، افول و فروپاشی آن قطعی است. وضوح این مطلب به اندازه‌ای است که در فرمان سری ریگان، رئیس‌جمهور وقت امریکا برای سرنگونی نظام اسلامی ایران در تاریخ ۲۴ دی ۱۳۶۱ نیز بر آن تأکید شده است. بر پایه فرضیه عملیات PSB فروپاشی ایدئولوژیک یک نظام مقدمه لازم سقوط فیزیکی آن است. اگر فلسفه و مبانی

ارزشی یک رژیم از اعتبار بیفتد، زمینه «بی‌ثبات‌سازی سیاسی» آن نیز فراهم می‌آید (فضلی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۱۳۵)؛ چنان که در نظام سوسیالیستی شوروی (سابق) اتفاق افتاد.

ایدئولوژی نظام سیاسی امریکا برآمده از مکتب مادی و بشری فردگرایی (لیبرالیسم) است و از اصلی‌ترین پیامدهای آن رویگردانی بشر غربی از دین و معنویت است و به لحاظ فلسفی و معرفت‌شناختی دارای شاخصه محوری فردگرایی است. از منظر این ایدئولوژی، انسان‌ها به صورت اتم‌هایی مستقل و خودبنیاد دیده می‌شوند که از خدا، آسمان و دیگر مردمان، مستقل و بی‌نیازند و روابط آدمیان با یکدیگر، نوعی روابط کالایی و شیئی فرض می‌شود. این مکتب به لحاظ ارزشی بر انسان محوری مبتنی است. در باور لیبرالیست‌ها، ارزش به نوعی به اراده انسان متصل است؛ همانند سایه‌ای که به سایه دیگر پیوسته است و ارزش‌ها که قبلاً با مفهومی در عالم اعلا رقم زده شده بود، به دامان اراده انسان سقوط می‌کند. طبق این مبنا، واقعیت متعالی وجود ندارد. تصور خوب غیرقابل تعریف و تهی است و انتخاب انسان می‌تواند آن را پر کند. در این ایدئولوژی، هیچ قانون کلی اخلاقی وجود ندارد که بتواند نشان دهد چه باید کرد؛ زیرا در این جهان هیچ نشان پذیرفته‌شده‌ای وجود ندارد (آربلاستر، ۱۳۹۲، ص ۲۲-۲۶). فرگرایان در آراء خود به شدت بر عقل‌گرایی به معنای اصالت دادن به عقل بشری در مقابل وحی الهی تأکید دارند و درواقع آنان با «خردگرا» نامیدن خود، بر بی‌نیازی از هدایت آسمانی و رویگردانی از قوانین الهی پا می‌فشارند (زرشناس، ۱۳۸۷، ص ۲۶).

این مکتب که پس از شکست مارکسیسم، به تنها مکتب فکری بلامنزاع جهان تبدیل شد، چنین تصور می‌شد که تا پایان جهان استمرار خواهد داشت (هیوود، ۱۳۷۹، ص ۵۴۶). از نظر پیروان این مکتب، امریکا صرفاً یک کشور نیست، بلکه ارزشی روحانی و الگویی از یک نقش است و تنها ایالات متحده است که می‌تواند رهبری لازم برای عبور از گردنه‌های نظم جهانی را در اختیار نهد (شور، ۱۳۹۰، ص ۱۳۳-۱۳۴).

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که این مکتب بشری از بدو پیدایش تاکنون با آن روبه‌رو شده وقوع انقلاب اسلامی ایران است؛ زیرا از نظر غربی‌ها کار دین تمام‌شده تلقی می‌شد، به‌گونه‌ای که سخن از «مرگ خدا» و «تمام شدن دوران دین» به میان آمد و «دین افیون ملت‌ها» پنداشته شد. شاید به همین علت بود که فوکویاما، نظریه‌پرداز مشهور امریکایی، مکتب لیبرالیسم را «فرجام تاریخ و آخرین انسان» می‌پنداشت.

در عین حال، تحقق انقلاب اسلامی ایران به رهبری یک مرجع دینی و فقیه جامع‌الشرایط در قلب خاورمیانه، با تکیه بر ایدئولوژی اسلام ناب محمدی، باطل‌السحر اندیشه‌های مادی‌گرایانه و ضددینی نظریه‌پردازان غربی شد و به یکی از مهم‌ترین چالش‌های غرب، به‌ویژه امریکایی‌ها تبدیل گردید. با انقلاب اسلامی ایران، عملاً جنگ ایدئولوژی‌ها آغاز شد؛ جنگی که برخی از نظریه‌پردازان غربی از آن به «مهلک‌ترین جنگ عقیدتی تاریخ» تعبیر کرده و بر این باورند که دورنمای عینی آن «پایان تمدن غربی» است؛ زیرا اندیشه امام خمینی علیه السلام همه مرزهای فکری را درمی‌نوردد (مارانش و اندلمن، ۱۳۸۵، ص ۲۴۳).

از نگاه فردگرایان یهودی، اساساً وقوع انقلاب اسلامی ایران نخستین صحنه‌های سه‌مگین «جنگ جهانی چهارم» بود؛ چون با وقوع این انقلاب، شالوده فلسفی فکر مدرنیته شکست و به قول جرج ویگل، امریکا در اوج ناباوری مجبور شد تا روند «سکولارزدایی از جهان» را به رسمیت بشناسد (وایت و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۱۳۰-۱۳۹). به همین سبب در راهبرد سیاست امنیتی امریکا پیش‌بینی شده است که در دوره جدید، به احتمال قوی، کاربرد نیروهای نظامی‌شان، نه برای مقابله با اتحاد شوروی (سابق)، بلکه در جهان سوم خواهد بود که توانایی‌ها و رویکردهای تازه‌ای را می‌طلبد.

از نظر *امام خامنه‌ای* فروپاشی امریکا، عمدتاً معلول ضعف معنویت و ناتوانی مبانی فکری و ضعف ایدئولوژیک آن نظام سیاسی است؛ شبیه آنچه در اردوگاه مکتب بشری مارکسیسم به وقوع پیوست. آنها تصور می‌کردند در یک نظام جبری، مارکسیسم همه دنیا را خواهد گرفت و بر کل جهان حاکم خواهند شد؛ اما شکست خوردند. امروز نیز باید همان بایدها و همان «قضاء لایرذ و لاییدل» را غربی‌ها نسبت به مفاهیم خودشان تکرار کنند:

چاره‌ای نیست؛ جهانی‌شدن سرنوشت ناگزیر بشری است. چه بخواهید، چه نخواهید، خواهد شد!... انقلاب روزی متولد شد که همه این حرف‌ها بود و انقلاب همه این حرف‌ها را باطل کرد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۱/۶/۲۴).

ایشان معتقد است: در دوران اخیر، هیچ‌گاه بن‌بست تفکر مادی - که برای انسان و جهان، نه ریشه‌ای قائل است و نه مقصدی - بدین وضوح نبوده است. بر ماست که برای نجات بشریت قیام کنیم و جوامع، حکومت‌ها و زندگی فردی و اجتماعی را براساس اندیشه الهی بنا نهمیم. از این‌رو در قدم اول باید زنگارها از چهره تابناک راه خدا برداشته شود و به دور از تعصب‌ها و پیش‌داوری‌ها به سیر تکاملی ادیان الهی توجه کنیم و کامل‌ترین دین را که اتمام نعمت الهی در آن است برای حرکت خود برگزینیم (پیام به دومین سمپوزیوم بین‌المللی اسلام و مسیحیت ارتدوکس، ۱۳۷۲/۵/۳۱). این سیر تکاملی همان افق جدیدی است که انقلاب اسلامی در برابر جهان گشوده و به‌مثابه راه سومی به دنیا پیشنهاد کرده‌است:

راهی که نه راه سوسیالیستی در اقتصاد و تبعات اقتصاد است و نه راه لیبرال - دموکراسی غرب با تبعات و خصوصیات که دنبالش هست، بلکه راه سومی است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۸/۷/۱۷).

امروز ایدئولوژی اسلام ناب محمدی که همان ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران است، تنها ایدئولوژی معتبر، عقلانی و جذابی است که بر همه ایدئولوژی‌های بشری مانند «مارکسیسم» و «لیبرالیسم» و دیگر ادیان تحریف شده غلبه کرده است. عمده‌ترین عامل شکست امریکا و - در یک کلمه - غرب و شرق در برابر انقلاب اسلامی، در این شاخص مهم، یعنی قدرت ایدئولوژیک آن نهفته است. براساس این ایدئولوژی، «انقلاب اسلامی، خود یک نوآوری بزرگ تاریخی بود که ملت ایران آن را در تاریخ خودش و تاریخ بشریت به ثبت رساند. جمهوری اسلامی نوآوری بود» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۷/۱/۱) و توانست نظامی سیاسی مبتنی بر اسلام و ارزش‌های اسلامی بر پا کند.

۲-۳. تأثیر انقلاب اسلامی بر افول سیاسی امریکا

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر افول سیاسی امریکا در ابعاد گوناگونی صورت گرفته است که می‌توان به تأثیر آن بر افول داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی امریکا اشاره کرد:

۱-۲-۳. تأثیر انقلاب اسلامی بر افول داخلی امریکا

یکی از شاخص‌های افول سیاسی امریکا حوادث داخلی امریکاست که افول امریکا از لحاظ آبرو، قدرت و انتظام اجتماعی را رقم می‌زند. کاهش مشارکت سیاسی در انتخابات، درگیری‌های خیابانی مستمر، شکل‌گیری جنبش ۹۹ درصدی‌ها بر ضد «وال استریت»، جنبش سیاهان بر ضد تبعیض نژادی، شکاف طبقاتی عمیق در مسائل اقتصادی و بی‌اعتبار شدن نظام سیاسی امریکا در میان مردم، فروپاشی خانواده و نابودی معنویت، همه نشانه افول همه‌جانبه این نظام مستکبر است.

امام خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

مسئله سقوط ترامپ با این وضع مفتضح و حوادثی که حول و حوش آن اتفاق افتاد، افول یک رئیس‌جمهور ناباب نبود، افول آبروی امریکا، افول قدرت امریکا و افول انتظام اجتماعی امریکا بود (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۹/۱۱/۱۹).

ایشان با تمسک به سخن صاحب‌نظران برجسته سیاسی امریکا، نظام سیاسی امریکا را نظامی از درون پوسیده دانستند و از آغاز دوران پساامریکا سخن به میان آوردند (همان)؛ موضوعی که کلیتون، وزیر خارجه (سابق) امریکا اخیراً به آن اعتراف کرده و گفته است: «ما در پرتگاه نابودی دموکراسی خود قرار داریم. همه اصولی که برای ما مهم است در خطر نابودی است» (کلیتون، ۱۴۰۱).

مطالعه فروپاشی شوروی (سابق) و مقایسه وضعیت داخلی امروز امریکا با زمان قبل از فروپاشی شوروی نشان می‌دهد که امریکا نیز در وضعیت مشابهی در آستانه فروپاشی قرار گرفته است. یکی از نشانه‌های فروپاشی، تجزیه امریکا و اعلام استقلال ایالت‌های امریکا از دولت مرکزی است.

حزب «جمهوری خواه» ایالت تگزاس در جدیدترین سند خود، خواستار برگزاری همه‌پرسی درباره جدایی تگزاس در سال ۲۰۲۳ شده است. طبق این سند، حزب «جمهوری خواه» تگزاس پیشنهاد کرده است: هر «قانونی که از سوی فدرال اجباری شده و حقوق متمم دهم تگزاس را نقض می‌کند، باید نادیده گرفته و لغو شود». این سند افزوده است: «تگزاس حق جدایی از ایالات متحده را برای خود حفظ می‌کند و مجلس تگزاس باید برای تصویب یک همه‌پرسی مطابق با این هدف فراخوانده شود (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۱ الف).

قتل، غارت، خشونت، آدم‌کشی و احساس ناامنی در امریکا به حدی رسیده است که مراکز علمی و حتی مدارس ابتدایی نیز امنیت کامل ندارند. در همین زمینه و برای تأمین امنیت جانی شهروندان، دیوان عالی امریکا اخیراً قانون حمل سلاح در نیویورک را که بیش از یک قرن پیش وضع شده بود، لغو و اعلام کرده است مردم امریکا حق حمله سلاح در اماکن عمومی را دارند (خبرگزاری مهر، ۱۴۰۱).

در نقطه مقابل و در این شرایط بحرانی، انقلاب اسلامی با ارائه الگوهای جذاب از سبک زندگی و خانواده مطلوب، تأثیر بسزایی بر امریکایی‌ها گذاشته است، به گونه‌ای که آمارها نشان می‌دهد موج اسلام‌خواهی و گرایش به اسلام در سال‌های پس از انقلاب، به‌ویژه در میان دانشمندان، فرهیختگان و زنان رشد چشمگیری داشته است. کشور ۳۰۴ میلیونی امریکا اکنون دارای هفت میلیون مسلمان و از میان آنها دو میلیون شیعه است. براساس گزارش آمار، ۳۰ درصد از این جمعیت، تازه مسلمان هستند (خواجه سروی و خانی آرانی، ۱۳۹۱).

تأثیر اندیشه‌های امام خمینی^ع بر مردم امریکا به حدی است که/حمد شیخ زهیر، امام جماعت مسجد شهر بوستون امریکا، می‌گوید: «حتی مردم غیرمسلمان نیز در امریکا به خاطر عدالت‌خواهی امام، ایشان را ترجیح می‌دادند (داستانی بیرکی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۷۵-۳۰۵).

پاییز دانیل، رئیس «انجمن سیاست خارجی امریکا» می‌گوید: دنیای غرب به علت نفوذ افکار امام خمینی^ع بار دیگر اسلام را کشف کرده است و این ما امریکایی‌ها را با مشکل مواجه می‌کند (همان).

آلویس تافلر بر این باور است که اندیشه‌های امام خمینی^ع در قلمرو اندیشه‌های بشری، هم جایگاه حکومت‌های دولتی و هم اقتدار دولت‌های ملی و محلی را تغییر می‌دهد (همان). همچنین فوسبری رئیس دانشگاه‌های کاتولیک امریکای لاتین تصریح می‌کند: امام خمینی^ع با بازگشایی راه معنویت و ایمان به خدا، وجدان معنوی غرب را به شدت به لرزه درآورده است، هرچند رسانه‌های گروهی غرب سعی در پوشاندن و مخفی ساختن آن داشته باشند (همان). هرچند نمی‌توان انقلاب اسلامی را تنها عامل آشفستگی‌ها و درگیری‌های داخلی امریکا معرفی کرد، ولی بی‌تردید در این افول و آشفستگی، تأثیر قابل توجهی داشته که با شیب آرامی این افول به انجام می‌رسد.

۲-۳. تأثیر انقلاب اسلامی بر افول قدرت منطقه‌ای امریکا

امریکا از دیرباز به دنبال حاکمیت و سلطه کامل بر منطقه غرب آسیا و خلیج فارس بوده است. هلفرد مکیندر بنیانگذار علم راهبردی در غرب معاصر، در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بر این باور بود که با مهار «هارتلند» که غرب آسیا و به‌ویژه ایران نیز در آن قرار دارد، می‌توان بر کل جهان حکومت کرد. وی معتقد است: هیچ کشوری جز امریکا و انگلیس نباید بر این منطقه تسلط پیدا کند (ترابی و رنجبر، ۱۳۹۹، ص ۳۹-۴۰).

آلفرد مهن از مدیران راهبردی امریکا که برای اولین بار از واژه «خاورمیانه» به‌طور جدی استفاده کرد، مهار غرب آسیا را برای مهار تعاملات جهان ضروری می‌دانست. با توجه به نظریه او مبنی بر ضرورت تمرکز بر دریاها، وی در غرب آسیا بر روی کانال سوئز و خلیج فارس تأکید داشت. او در سال ۱۹۰۲ طی مقاله‌ای به صراحت نوشت: بریتانیا باید دایم نیروهایی در عدن، هند و خلیج فارس مستقر کند تا جلوی سلطه روسیه یا قدرت‌های دیگر بر غرب آسیا و شبه قاره هند را بگیرد (همان، ص ۴۲).

بنابراین، منطقه خاورمیانه یا غرب آسیا همواره از جمله مناطق راهبردی برای امپراتوری بریتانیا و امریکا به حساب می‌آمده است. در اواخر دهه ۱۹۴۰ وزارت امور خارجه امریکا منطقه خلیج فارس را «یک منطقه و منبع

قدرت راهبردی و شگفت‌انگیز و بزرگ‌ترین جایزه مادی در تاریخ بشر و احتمالاً بزرگ‌ترین جایزه اقتصادی در دنیا» ارزیابی می‌کند (همان، ص ۵۹).

کارت‌ر رئیس‌جمهور وقت آمریکا نیز در رهنامه خود اعلام می‌کند:

هر تلاشی توسط هر نیرویی برای تسلط بر منطقه خلیج فارس، به‌عنوان حمله به منافع حیاتی آمریکا تلقی خواهد شد و چنین حمله‌ای با هر ابزاری، من جمله نیروهای مسلح دفع خواهد شد (همان، ص ۶۴).

درواقع، برای غرب، مرکزیت جهان اسلام - که نقطه تلاقی سه قاره مهم آسیا، آفریقا و اروپاست - کاملاً حیاتی و دارای اهمیت راهبردی است. از این‌رو حضور بازیگران اصلی در این نقطه جهان، به‌ویژه امریکایی‌ها، حضوری همه‌جانبه، گسترده و سلطه‌گرانه است. این تسلط شامل تسلط نظامی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی، تجاری، مالی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی می‌شود. به همین سبب امریکایی‌ها برای جلوگیری از سلطه احتمالی قدرت‌های دیگر، پیشنهاد تشکیل نیروی ضربتی ویژه در ارتش آمریکا برای منطقه خلیج فارس را دادند تا در برابر هر تهدید احتمالی بتواند فوری وارد خلیج فارس شود. علاوه بر آن، دولت وقت ایران را به‌عنوان «ژاندارم» خلیج فارس تعیین کرده بودند تا با هماهنگی با رژیم صهیونیستی از منافع آمریکا در منطقه حراست کند. امریکایی‌ها به صراحت به شاه می‌گفتند: «شما ژاندارم ما در خلیج فارس هستید» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۶/۳/۶).

آنها ایران را جزیره امن و ثبات خودشان در منطقه می‌دانستند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۱۰/۱۹)؛ کشوری که به اذعان رمزی کلارک، وزیر دادگستری (سابق) آمریکا، در طول ۲۵ سال تسلط آمریکا بر ایران (۱۹۵۳ تا ۱۹۷۸) در تمام ابعاد به غرب وابسته گردید و در طول این مدت، به نگرهبان و حافظ منافع آمریکا در یکی از مهم‌ترین مناطق جهان (یعنی خاورمیانه و خلیج فارس) تبدیل شد و رئیس وقت سازمان سیا این سلطه را یکی از پرافتخارترین دستاوردها برای سیاست خارجی آمریکا می‌دانست (ر.ک: واعظی، ۱۳۸۱، ص ۲۲).

ولی به‌رغم تدابیر ویژه‌ای که امریکایی‌ها در جهت حفاظت از منافع خود در خلیج فارس به‌کار گرفته بودند، اراده خداوند بر این تعلق گرفت که انقلاب اسلامی در قلب خاورمیانه، یعنی جزیره ثبات آمریکا به پیروزی برسد و امریکایی‌ها را با چالش جدی روبه‌رو سازد. *امام‌خامنه‌ای* درباره موقعیت جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیکی) ایران اسلامی می‌فرماید:

در جنگ بین‌الملل، نام ایران را «چهارراه خاورمیانه» گذاشته بودند؛ چون در برهه‌ای طولانی از زمان، تنها راه ارتباطی بین شرق آسیا و اروپا بود. مزیت دیگر این کشور آن است که در کنار خلیج فارس، لب دریای عمان و در حساس‌ترین مناطق قرار دارد. در بحبوحه تلاش‌های استعمار (امریکا و غیر آمریکا) و در اوج پیروزی استکبار، ناگهان در یک نقطه بسیار حساس، یک انقلاب عظیم همراه با رهبری فوق‌العاده و بی‌نظیر، در میان احساسات و عواطف و آگاهی‌ها و نیروهای مخلصانه و صادقانه یک ملت قهرمان - که اسلام بکلی آنها را منقلب کرده و ترس را از وجودشان ریخته - سر می‌کشد؛ تمام نقشه‌هایشان به هم ریخت (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۹/۳/۱۵).

به اعتقاد *امام‌خامنه‌ای* «از نقاط مثبت ما، ارتقای جهش‌وار در اثرگذاری در مسائل عمده منطقه و مسائل جهان است» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). ایشان همچنین می‌فرماید:

انقلاب اسلامی که پیروز شد، اسلام در دنیا یک رونق تازه‌ای پیدا کرد. خیلی‌ها در دنیا به فکر افتادند که این چه بود؟ این کدام موتور پر قدرت بود که توانست یک چنین حادثه عظیمی را به وجود بیاورد که غرب را تکان داد؟ پیروزی انقلاب اسلامی و عظمت امام غرب را تکان داد، نظام سلطه را تکان داد. خیلی‌ها به فکر افتادند بروند ببینند این چیست؟ به قرآن مراجعه کردند؛ حقایق از اسلام دستشان آمد، گرایش به اسلام پیدا کردند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۷/۲۰).

در حقیقت، امام بزرگوار در این نهضت عظیمی که در کشورمان و در جهان اسلام به وجود آورد، دو پرچم را بلند کرد و برافراشته نگاه داشت: یکی پرچم احیای اسلام و به عرصه آوردن این قدرت عظیم و لایتناهی؛ دومی پرچم عزت و سربلندی ایران و ایرانی (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۳/۱۴).

پرچم دوم هم اگرچه مربوط به ملت ایران است، مربوط به ایران و ایرانی است، اما چون یک تجربه عملی از تحرک حیات بخش اسلام است، برای امت اسلامی امیدآفرین و حرکت ساز است (همان). در واقع، تحقق انقلاب اسلامی در چهارراه خاورمیانه و قلب منطقه و جزیره ثبات ادعایی امریکا و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی، ضربه سنگینی بر پیکر نظام امپریالیستی امریکا وارد ساخت و با اخراج صهیونیست‌ها از ایران و تحویل سفارت آنها به فلسطینی‌ها (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۸/۸/۲۴) و بیرون ریختن بیش از ۳۰ هزار مستشار امریکایی عملاً به حاکمیت امریکا بر ایران پایان داد که از آن به بعد نیز این ضربات، پی در پی ادامه دارد.

تشکیل هسته‌های مقاومت در جهان، از جمله «حزب الله» لبنان و شکل‌گیری «انتفاضه» در داخل مرزهای فلسطین اشغالی و حمایت از مقاومت در فلسطین و لبنان، از جمله راهبردهای انقلاب اسلامی در جهت ضربه زدن به سیاست‌های منطقه‌ای امریکا به‌شمار می‌آید؛ زیرا سیاست امریکا در منطقه مبنی بر حمایت همه‌جانبه از رژیم جعلی صهیونیستی، در جهت تثبیت و افزایش نفوذ منطقه‌ای خود بوده است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۸/۲/۲۴).

ضربات سنگین انقلاب اسلامی ایران به اسرائیل به حدی بوده است که رژیم می‌که از ابتدا شعار «از نیل تا فرات» سر می‌داد و پیروز میدان جنگ‌های ۸ روزه با اعراب بود، در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه در برابر «حزب‌الله» لبنان و «حماس» شکست سنگینی متحمل شد، به‌گونه‌ای که از آن تاریخ به بعد، توان هر عملیاتی بر ضد «حزب‌الله» و غزه از آن سلب شده است. امروز وضعیت رژیم صهیونیستی به‌گونه‌ای است که حتی توان دفاع در برابر جوانان فلسطینی در «سرزمین‌های ۱۹۴۸ و در مرکز سرزمین‌های اشغالی» را از دست داده است (ر.ک. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۴۰۱/۱/۲۳).

بی تردید این شکست‌ها مروهون رهبری‌های *امام خامنه‌ای* و حمایت تمام‌عیار انقلاب اسلامی از نیروهای مؤمن و انقلابی فلسطینی است که با اقتدار تمام در برابر زیاده‌خواهی‌های استکبار و رژیم صهیونیستی ایستاده‌اند (ر.ک: بیانات در دیدار نخست‌وزیر عراق، ۹۹/۴/۳۱).

به بیان مقام معظم رهبری، افول منطقه‌ای امریکا به حدی رسیده است که رئیس‌جمهور امریکا اعلام می‌کند: «ما در منطقه غرب آسیا هفت تریلیون (هفت هزار میلیارد) دلار خرج کردیم و چیزی دستمان نیامد». این معنایش

شکست است؛ امریکا در منطقه شکست‌خورده است. شیطان بزرگ با آن‌همه تلاش، با آن‌همه هیبت و شعار نتوانسته است در این منطقه به مقصود خود برسد. پول را خرج کرده است؛ «فَسَيَفْقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ» (انفال: ۳۶)، اما سودی از آن نمی‌برند. بعد از این هم قدرت‌های شیطانی در این منطقه هرچه پول خرج کنند، همین وضعیت در انتظارشان است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۳/۲۵).

۳-۲-۳. تأثیر انقلاب اسلامی بر افول فرامنطقه‌ای و بین‌المللی امریکا

نظام سیاسی امریکا از بدو تولد با نگاه تبعیض نژادی و با قتل عام رنگین‌پوستان و صاحبان اصلی سرزمین امریکا، سلطه خود را بر ایالات امریکا حاکم ساخته است. مشرب رو به رشد مستثنائنگاری امریکا در امور بین‌الملل، اولویت نیروی نظامی در سیاست ایالات متحده، قائل شدن حق مداخله در گرداگرد جهان برای خود، گسترش میهن پرستی بیگانه‌ستیزی و تحکیم بیش از پیش نظام جنگ دائمی، این رژیم را به یک مستبد و غارتگر بین‌المللی تبدیل کرده و به استعمار و استثمار دیگر کشورها و غارت منابع اقتصادی آنها پرداخته است (ر.ک: شور، ۱۳۹۰، ص ۱۳۵).

افزایش قدرت نظامی و تسلیحاتی و شاخ و شانه کشیدن‌های هسته‌ای و بمباران شهرهای هیروشیما و ناکازاکی و جنگ‌های بی‌منا و غیرمنطقی این کشور را به یک امپریالیزم سیاسی و غول اقتصادی تبدیل کرد. راهبرد اعمال سیاست رعب و وحشت عمده کشورهایی را که در پیمان «ورشو» نبودند زیر سلطه امریکا قرار داد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (سابق) در سال ۱۹۹۱، سلطه امریکا بر جهان کامل شد؛ زیرا جهان به دهکده‌ای تبدیل شد که در رأس آن، کدخدایی به نام امریکا حضور داشت و همه کشورهای جهان مجبور به رعایت قواعد سیاسی تحمیلی امریکا و تسلیم زیاده‌خواهی‌های آن هستند.

امریکا همانند فرعون در جایگاه خدایی نشست و خود را در مقام «لَا يُسْتَلُّ عَمَّا يُفَعَّلُ» (انبیاء: ۲۳) قرار داد. به هر کشوری که می‌خواست لشکرکشی می‌کرد و متخلفان از قوانین دولت امریکا را با تحریم‌های اولیه و ثانویه تنبیه می‌کرد و در برابر هیچ سازمان و نهاد بین‌المللی خود را پاسخگو نمی‌دانست. در این مدت کشورهای بزرگی مانند چین و روسیه و حتی اروپایی‌ها نیز در برابر زیاده‌خواهی‌های امریکایی‌ها تسلیم می‌شدند و جرئت اعتراض و مخالفت رسمی با سیاست‌های زورگویانه امریکا را نداشتند (ر.ک: همان، ص ۱۴۷).

وقوع انقلاب اسلامی در ایران نقطه عطفی برای تحولی بزرگ در ایران، منطقه و جهان اسلام و حتی در دنیای غیر اسلام به حساب آمد. به فرموده امام‌خامنه‌ای:

در ابعاد جهانی - حتی در دنیای غیر اسلام - هم انقلاب اسلامی تأثیر گذاشت و توجه به قدرت مذهب در بسیج انسان‌ها را در دنیا مطرح کرد. مذهب - که یک پدیده منزوی و تشریفاتی محض بود - ناگهان آنچنان یک ملت را بسیج کرد که توانست یک نظام متکی به حمایت‌های بین‌المللی را یکی به خاک سیاه بنشانند و اجازه ندهد بر روی ویرانه‌های آن، خلأ به وجود آید، بلکه نظامی با حرف‌های نو بر سر پا کند. قایلین همه حرف‌هایی که برای بشریت ایده‌آل بود (مسئله عدالت، انسانیت و تکریم انسان، برابری انسان‌ها، برابری نژادها، لزوم مبارزه و مقابله با زورگویی‌های بین‌المللی) و کسانی که در دل‌هایشان حرف‌هایی بود، ولی جرئت نمی‌کردند آنها را ابراز کنند و یا

میدانی برای ابراز نمی‌یافتند، دیدند نظام سیاسی مستقری در یک گوشه از دنیا به وجود آمده، این حرفها را روی پلاکارد نوشته و در مقابل چشم جهانیان بلند کرده است. این برای آنها بسیار فوق‌العاده بود (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۰/۸/۱۲).

حرکت نظام جمهوری اسلامی اثر خودش را در دنیا بخشیده است، تأثیرات عمیقی گذاشته است، قدرت‌های استکباری و شیطنانی را تضعیف کرده است، راه‌های تازه‌ای در مقابل ملت‌ها باز کرده است. یک فصل تازه‌ای در دنیا شروع شده است؛ {حرکتی که} دیگر نظیری برای آن نیست (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۴/۱۳).

این فصل تازه را می‌توان در یک عبارت، این‌گونه بیان کرد:

در دنیا هر جا که ندای عدالت‌خواهی بلند شده است، این انقلاب آنجا را با خود و از خود و متناسب با خود یافته است و با حق‌جویان و عدالت‌خواهان عالم همراهی کرده است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۴/۳/۱۴).

به عبارت دیگر، «بیداری اسلامی در کشورهای گوناگون و بیداری روح معنویت در سرتاسر جهان، مرهون انقلاب اسلامی است» (همان).

تهدیدهای مکرر امریکا در دولت‌های مختلف مبنی بر «روی میز بودن همه گزینه‌ها، از جمله گزینه نظامی» نه تنها کوچک‌ترین تأثیری بر اراده ملت و رهبر ایران نگذاشت، بلکه با تهدید متقابل مواجه شد. *امام خامنه‌ای* خطاب به دولتمردان امریکایی فرمود:

دوران «بزن و دررو» تمام شده است. اگر بزنید پایتان گیر خواهد افتاد. این جور نیست که ملت ایران رها کند کسی را که بخواهد به ملت ایران تعرضی بکند. ما دنبال خواهیم کرد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۴/۲/۱۶).

حمله ایران به «عین الاسد» و سرنگونی پهپاد پیشرفته «گلوبال» امریکایی توسط ایران و دستگیری نیروهای متجاوز انگلیسی و امریکایی در آبراه خلیج فارس و مقابله به مثل در تصرف کشتی‌های نفتی امریکا و انگلیسی و دیگر اقدامات متقابل ایران اسلامی در برابر امریکا به یک روند و الگوی مناسب تبدیل شده و به ملت‌ها و دولت‌ها جرئت بخشیده است، به گونه‌ای که حتی کشورهای کوچکی مانند ونزوئلا و نیکاراگوئه، در حیاط خلوت امریکا نیز در برابر سیاست‌های زیاده‌خواهانه امریکا ایستاده‌اند. ناکامی امریکا در تغییر حکومت *بشار اسد* در سوریه و خروج ذلیلانه از عراق و افغانستان و انفعال شدید در برابر حمله روسیه به اوکراین، نمونه‌های دیگری از شکست اقتدار سیاسی و هیمنه بین‌المللی امریکا در جهان است.

شکست امریکا و افول قدرت شیطنانی امریکا در برابر ایران به قدری روشن است که *ولید فارس*، مشاور *ترامپ* و یکی از ضدایرانی‌ترین تحلیلگران حال حاضر امریکا، در مقاله‌ای در رسانه دست راستی *نیوزمکس* می‌نویسد:

بعد از مطالعه بر روی رژیم ایران از آغاز آن تا کنون، بر روی انقلاب [امام] خمینی در سال ۱۹۷۹، بر روی اتحاد ایران با [بشار] اسد، بر روی بحران گروگانگیری دهه ۱۹۸۰، بر روی جنگ نیابتی ایران با اسرائیل، بر روی گسترش پروژه هسته‌ای ایران و بر روی کنترل چهار کشور عربی توسط شبه‌نظامیان طی دهه گذشته، جمع‌بندی من در مقطع کنونی این است که حاکمان تهران - دست‌کم تا اینجا - پیروز شده‌اند (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۱/۱۰/۱۶).

وی سپس می‌افزاید:

تهران پس از حفظ یک خط درگیری مستمر با امریکا، اسرائیل و بسیاری از کشورهای غربی، توانست از جنگ سرد، نظام تک‌قطبی دهه ۱۹۹۰، دوران پس از ۱۱ سپتامبر، بهار عربی و دوران پس از خروج امریکا از عراق و

افغانستان جان به در ببرد و با تقویت توانمندی‌های نظامی و اطلاعاتی و توسعه ارضی در منطقه از طریق شبه‌نظامیان و به لطف جاذبه توافق هسته‌ای، به نفوذ قابل توجهی در غرب دست پیدا کند و در ایالات متحده هم اعمال نفوذ کند (همان).

نقش انقلاب اسلامی در ایستادگی در برابر قدرت امریکا موجب جرئت‌بخشی به دیگران شد. روسیه که سی سال پیش با فروپاشی شوروی (سابق) به شدت ضعیف شده بود، امروز در برابر امریکا ایستاده و در برابر توسعه‌طلبی‌های «ناتو» مقاومت می‌کند. جالب‌تر اینکه امروز کشورهایی مانند عراق، یمن، سوریه، لبنان، کره شمالی و حتی ونزوئلا نیز در برابر قدرت امریکا صف‌آرایی کرده‌اند.

مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، درباره تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران می‌گوید: واقعاً گفت‌وگو با آیت‌الله خامنه‌ای سرشار از معنویت و حکمت است. مردم ونزوئلا و آرمان‌هایشان را دوست دارند و همیشه ایده‌ها و توصیه‌های بسیار خوبی به ما می‌دهند. من هم هیچ شکی ندارم که اگر حضرت مسیح امروز در بین ما بود، در خط مقدم مبارزه با امپریالیسم و استعمار و تمام اشکال ستم قرار می‌گرفت. ما بخشی از محور مقاومت در برابر شیوه‌های امپراتوری برای تحمیل سلطه در جهان هستیم. قرن بیست‌ویکم قرن ماست؛ قرن عدالت و حقیقت است. امپراتوری‌ها در مرحله افول هستند و طرح‌های مردم برای خوشبختی، توسعه و عظمت تازه شروع شده است. این قرن، قرن ماست (مادورو، ۱۴۰۱).

۳-۳. تأثیر انقلاب اسلامی بر افول قدرت نظامی امریکا

امریکا بعد از جنگ جهانی دوم، به‌عنوان پیروز میدان، به یک غول نظامی - امنیتی تبدیل شد و با توسعه صنایع نظامی، از جمله تأسیس زرادخانه‌های هسته‌ای، به زورگترین دولت جهان تبدیل شد. سال‌هاست که امریکایی‌ها براساس ضرب‌المثل ویلیام شکسپیر، ادعا می‌کنند: «دنیا صدف است و تنها امریکا می‌تواند مروارید آن باشد». در تمدن سیاسی و نظامی امریکا، این کشور وسیع نیم‌قاره‌ای، به خود به‌منزله «شهرک آفتاب» می‌نگرد؛ شهرکی که اسطوره تاریخی دو قرن آن در منشور سردمداران آن (یعنی مأموریت معلوم و آشکار ایالات متحده) خلاصه می‌شود.

امریکا این مأموریت خود را به عرصه جهانی و بین‌المللی و درواقع به سرنوشت بشریت ربط داده است. وظیفه صدف تغذیه و رشد مروارید است. امریکایی‌ها با بهره گرفتن از یک جمله دیگر از داستان‌نویس امریکایی قرن ۱۸ به نام تویبایس سمالت که می‌گوید: «دنیا برای من درست شده، نه من برای دنیا. بر من است که تا می‌توانم از آن لذت ببرم و آینده را به حال خود بگذارم» سعی کرده‌اند تمام جهان را به خدمت و استعمار امریکا درآورند.

این دو جمله معروف دو دنیای متفاوت را نشان می‌دهد. در یکی اعتقاد امریکا به اینکه در مرکز دنیا قرار گرفته و اراده تغییر هر چیز به دست اوست، و دیگری به بیان فلسفه آن می‌پردازد که هر کس یک جزیره بیش نیست (مولانا، ۱۳۹۰، ص ۴۹).

با همین روحیه، روزولت رئیس‌جمهور دهه اول قرن بیستم امریکا (سال‌های ۱۹۰۱-۱۹۰۹) طی نامه‌ای محرمانه به یکی از دوستان خود نوشت: «من تقریباً از هر جنگی استقبال می‌کنم؛ زیرا این مملکت همیشه به یک جنگ احتیاج دارد» و بدین‌سان دوران جهانگشایی‌های امریکا آغاز شد (همان، ص ۲۳۴-۲۳۵).

در طول تاریخ ایالات متحده امریکا، همواره پیوندی ناگسستنی بین جنگ، حکومت و نظام این کشور وجود داشته است. در واقع جامعه امریکا یک جامعه جنگی است و دقیقاً شکست در جنگ، شکست جامعه را نیز در پی دارد. جنگ‌های ویتنام، عراق و افغانستان گویای این واقعیت است. هزینه‌های مالی، جانی، انسانی، وجدانی و معنوی این جنگ‌ها و تناقض‌های حاصل از آن یکی از علل اصلی افول امپراتوری امریکا است؛ افولی که از هم اکنون آغاز شده است (همان، ص ۲۳۶).

یکی از کشورهای آماج تهدید از سوی امریکا، جمهوری اسلامی ایران است، به‌گونه‌ای که تعبیر «روی میز بودن همه گزینه‌ها» در ۴۳ سال پس از انقلاب اسلامی همواره ترجیح‌بند سخن رؤسای جمهوری امریکا بوده است. عملیات مستقیم امریکا در صحرای طبرستان علیه ایران، جنگ نیابتی هشت ساله صدام علیه ایران، عملیات نظامی امریکا در افغانستان و عراق، تشکیل داعش و جنگ‌های نیابتی این گروه در سوریه و عراق، همه در جهت نابودی نظام جمهوری اسلامی ایران و مقابله با اهداف بلند انقلاب اسلامی صورت گرفته است. راز پیروزی انقلاب اسلامی در این جنگ‌ها، علاوه بر امدادهای الهی، در راهبری‌های حکیمانه رهبر انقلاب اسلامی و تصمیم‌های سرنوشت‌ساز ایشان نهفته است.

امام خامنه‌ای برای به شکست کشاندن امپراتوری امریکا از راهبردهای مهمی استفاده کرده که تبیین همه آنها به مقاله مستقلی نیاز دارد. ولی به اجمال، یکی از راهبردهای انقلاب اسلامی در مواجهه با تهدیدات نظامی امریکا علیه انقلاب اسلامی، «افزایش توان دفاعی کشور» است؛ زیرا داشتن تسلیحات پیشرفته موجب بازدارندگی و قطع طمع دشمن برای تجاوز احتمالی می‌شود.

چنانچه قدرت دفاعی خودمان را افزایش ندهیم، دشمنان ما جری خواهند شد، گستاخ خواهند شد، تشویق خواهند شد به اینکه به ما حمله کنند. باید قدرت دفاعی ما طوری باشد که دشمن تشویق نشود به یک اقدام و به‌دست از پا خطا کردن (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۶/۷/۲۶).

امروز ایران اسلامی در بسیاری از شاخص‌ها، از جمله توان رزمی و سطح روحیه نیروهای مسلح، به‌روز کردن دانش صنایع نظامی (مانند موشک‌های دوربرد و نقطه‌زن، پهپادهای پیشرفته، جنگ مجازی و الکترونیکی) در زمره کشورهای قدرتمند جهان به حساب می‌آید. در سایه افزایش قدرت دفاعی ایران، جایگاه امریکا و مزدورانش در منطقه بسیار متزلزل شده است، به‌گونه‌ای که ناوهای جنگی امریکا از منطقه خلیج فارس به دریاهای آزاد عقب‌نشینی نموده و برخی پایگاه‌های نظامی‌اش در کشورهای مجاور (مانند عراق) را نیز جمع‌آوری کرده است. مراکز جاسوسی اسرائیل و مراکز نظامی و اقتصادی وابستگان امریکا در منطقه نیز از امنیت برخوردار نیست و گاهی

آماج حمله‌های ایران یا هم‌پیمانانش قرار می‌گیرد. بی‌تردید تقویت بنیه نظامی ایران اسلامی، به‌ویژه افزایش اقتدار موشکی و پهپادی، موجب افول قدرت منطقه‌ای آمریکا شده است.

امام خامنه‌ای درباره افول اقتدار نظامی آمریکا می‌فرماید:

گزینۀ قطعی ملت ایران مقاومت در مقابل امریکاست و در این رویارویی، در این مقاومت، او وادار به عقب‌نشینی خواهد شد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۸/۲/۲۴).

ایشان در جای دیگر می‌فرماید:

قدرت سخت آمریکا هم به شدت ضربه دیده. «قدرت سخت» یعنی: قدرت نظامیگری، قدرت اقتصاد. اینها قدرت سخت است. بله، ابزار نظامی دارند، اما نیروی انسانی نظامی آمریکا به شدت افسرده، سر درگم، سرگشته، مردّد [است]. برای همین است که در بسیاری از کشورهایی که آنها حضور دارند، برای اینکه بتوانند مقاصد خودشان را پیش ببرند، از سازمان‌های جنایتکاری مثل «بلک واتر» و از این قبیل استفاده می‌کنند؛ یعنی سرباز امریکایی قادر به اجرای آن نقشه امریکایی نیست؛ نیروی انسانی‌شان این است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۸/۱۲).

در مقابل، ایران اسلامی روز به روز قوی‌تر شده و به حدی از اقتدار نظامی رسیده که به صادرکننده مهم سلاح‌های راهبردی تبدیل شده است. *امام خامنه‌ای* در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و در مقام مقایسه شرایط اول انقلاب اسلامی با شرایط امروز می‌فرماید:

اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده، از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است (بیانیه گام دوم انقلاب).

نتیجه‌گیری

افول قدرت آمریکا از نگاه اندیشمندان و نظریه‌پردازان سیاسی امری مسلم و قطعی است و کمتر کسی است که در آن تردیدی داشته باشد. آنچه محل بحث است علل و عوامل این افول است که چگونه یک ابرقدرت یا اولین قدرت جهانی امروز در شیب تند افول قرار گرفته، به‌گونه‌ای که برخی از اندیشمندان از فروپاشی قریب‌الوقوع آن سخن به میان می‌آورند؟ بی‌تردید بررسی همه‌عوامل، آن هم در اندیشه‌ها و مکاتب مختلف، مجال گسترده‌تر می‌طلبد. از این رو این مقاله تنها بر نقش انقلاب اسلامی ایران در افول قدرت آمریکا، آن هم در اندیشه *امام خامنه‌ای* متمرکز شد.

مهم‌ترین شاخص‌هایی که با آنها می‌توان افول قدرت آمریکا را نشان داد افول ایدئولوژی، مشروعیت سیاسی، بی‌اعتباری منطقه‌ای و بین‌المللی و ناتوانی در تحمیل خواسته‌های خود بر ملت آمریکا و دیگر ملت‌ها و دولت‌های

جهان است. امروز مکتب «لیبرالیزم» به‌مثابه ایدئولوژی و پشتوانه فکری دولت امریکا، جایگاه خود را از دست داده و به پایان راه خویش رسیده و سقوط ایدئولوژیک یک نظام مقدمه سقوط فیزیکی آن است.

غرب با این ادعا که دوره دین‌خواهی پایان یافته و «دین‌افیون ملت‌هاست»، به تأسیس مکتب مادی‌گرایانه و بشری «لیبرالیزم» پرداخت و آن را بر همهٔ ساحت‌های زندگی بشر، از جمله ساحت سیاسی و تشکیل حکومت حاکم ساخت؛ ولی پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تشکیل حکومت دینی براساس مکتب اسلام و گسترش فرهنگ دینی به منطقه و اقصا نقاط جهان، عملاً مهر ابطالی بر مکاتب ماده‌گرایانه مارکسیزم و لیبرالیزم زد.

از سوی دیگر، مشروعیت سیاسی دولت امریکا نیز به پایین‌ترین سطح در سال‌های اخیر سقوط کرده است. کاهش مشارکت سیاسی مردم در انتخابات امریکا و احتمال تقلب در انتخابات ریاست جمهوری و اشغال مجلس قانون‌گذاری توسط طرفداران نامزد مدعی‌تقلب و تبدیل شدن نیویورک به پادگان نظامی و درگیری‌های خیابانی، همه نشانگر کاهش شدید مشروعیت سیاسی دولت امریکاست.

نقش انقلاب اسلامی در حمایت از مظلومان و مقابله با تبعیض نژادی و ارائه سبک زندگی مطلوب دینی و معرفی خانواده ایده‌آل نقش مهمی در کاهش مشروعیت سیاسی نظام طرفدار تبعیض نژادی و ضداخلاقی امریکا داشته است. امریکا به‌عنوان پلیسی‌ترین حکومت جهان، با زور و فشار و ارعاب، مشروعیت خود را حفظ کرده است. چنانچه روزی این فشار برداشته شود، به سرنوشت ابرقدرت شرق شوروی (سابق) مبتلا خواهد شد.

در بعد بین‌المللی نیز قدرت امریکا به شدت افول کرده است. انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در جهت افول وجهه بین‌المللی امریکا بوده است. در حالی که بزرگ‌ترین کشورهای جهان جرئت ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌های امریکا نداشتند، این جمهوری اسلامی بود که در برابر توسعه‌طلبی‌ها و زیاده‌خواهی‌های آنان ایستاد و به ملت‌ها جرئت بخشید. امروز کار امریکا در منطقه خاورمیانه به جایی رسیده است که بدون موافقت جمهوری اسلامی، امریکا نمی‌تواند کوچک‌ترین تصمیمی بگیرد. تمام معادلات امریکایی‌ها در مسئله فلسطین برای نجات اسرائیل، از جمله «معامله قرن» به شکست انجامیده و امریکا در برابر مقاومت ملت‌ها مجبور به فرار شده است. اخراج امریکا از کشورهایی مانند لبنان، عراق، افغانستان مرهون سیاست‌های اصولی انقلاب اسلامی ایران بوده است.

در بعد نظامی نیز امریکا به‌رغم داشتن زرادخانه‌های هسته‌ای و داشتن تسلیحات گوناگون پیشرفته، در جنگ‌های مستقیم و نیابتی در برابر انقلاب اسلامی ایران شکست خورده است. افزایش توان موشکی، پهبادی، لیزری و مجازی، در کنار ایمان ملت ایران، جمهوری اسلامی را به یک قدرت بی‌بدیل منطقه‌ای تبدیل کرده است. حمله مستقیم موشکی به پایگاه امریکایی «عین‌الاسد» در عراق و پایگاه اسرائیلی‌ها در اربیل و ساقط کردن پهپادهای پیشرفته و مقابله به مثل ایران در جنگ نفتکش‌ها، همه نشان از اقتدار نظامی ایران و افول قدرت امریکایی‌ها دارد. نقش تدابیر حکمیانه رهبری انقلاب اسلامی در پیشبرد اهداف متعالی نظام اسلامی انکارناپذیر و ستودنی است.

منابع

- آربلاستر، آنتونی، ۱۳۹۲، *ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب*، ترجمه عباس مخبر، چ پنجم، تهران، نشر مرکز.
- آشوری، داریوش، ۱۳۸۰، *دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)*، تهران، مروارید.
- بخشایشی اردستانی، احمد، ۱۳۷۶، *اصول علم سیاست*، تهران، آوای نور.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان و افسار مختلف مردم، در: Khamenei.ir
- _____ در دیدار نخست‌وزیر عراق، در: Khamenei.ir
- بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، در: Khamenei.ir
- پیام رهبر معظم انقلاب به دومین سمپوزیوم بین‌المللی اسلام و مسیحیت ارتدکس، در: Khamenei.ir
- ترابی، سام مهدی و محمدعلی رنجبر، ۱۳۹۹، *جنگ سرد ایران و امریکا: نظریه‌ای برای فهم ژئوپولیتیک در دنیای معاصر*، تهران، نخبگان.
- خبرگزاری مهر، ۱۴۰۱، «با حکم دیوان عالی امریکا؛ حمل سلاح در اماکن عمومی امریکا آزاد شد»، در: www.mehrnews.com/news
- خبرگزاری فارس، ۱۴۰۱ الف، «ساز تجزیه در امریکا باز به صدا درآمد؛ تگزاس به دنبال همه‌پرسی جدایی»، در: www.farsnews.ir/newsws
- _____، ۱۴۰۱ ب، «مشاور ترامپ: بعد از ۴۱ سال مطالعه فهمیدم ایران مقابل امریکا پیروز شده است»، در: www.fasnews.ir/news
- خواججه سروی، غلامرضا و الهه خانی آرانی، ۱۳۹۱، «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر ایالات متحده امریکا»، *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ش ۶ ص ۴۱-۷۲.
- داستانی بیرکی، علی، ۱۳۸۵، *امام خمینی: از نگاه نخبگان جهان*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۸، *لغتنامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، چ دوم، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و دانشگاه تهران.
- زرشناس، شهریار، ۱۳۸۷، *اشاراتی درباره لیبرالیسم در ایران*، تهران، کیهان.
- شور، فرانسیس رابرت، ۱۳۹۰، *امپراتوری رو به مرگ: امپریالیسم امریکا و مقاومت جهانی*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عمید، حسن، ۱۳۸۰، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۷-۱۳۶۸، *فقه سیاسی*، تهران، امیرکبیر.
- فارسی، جلال‌الدین، ۱۳۷۴، *فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی*، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام.
- فضلی‌نژاد، پیام، ۱۳۹۱، *ارتش سری روشنفکران*، تهران، کیهان.
- فوکویاما، فرانسیس، ۱۳۹۵، *پایان تاریخ و انسان واپسین*، ترجمه عباس و زهره عربی، تهران، سخنکده.
- مادورو، ۱۴۰۱، «قرن بیست و یکم، قرن مقاومت است»، در: <https://farsi.khamenei.ir>
- مارانش، الکساندر دو، و دیوید ای. اندلمن، ۱۳۸۵، *جنگ جهانی چهارم: دیپلماسی و جاسوسی در عصر خشونت*، ترجمه سهیلا کیانتاز، چ پنجم، تهران، اطلاعات.
- مراذپیری، هادی، ۱۳۹۱، «روش‌شناسی و مؤلفه‌های اندیشه دفاعی حضرت امام خامنه‌ای»، در: *گزیده مقالات اولین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای*، تهران، یاران شاهد.
- معین، محمد، ۱۳۷۷، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، فرهنگ نما.
- مولانا، حمید، ۱۳۹۰، *امریکانشناسی: فراز و فرود یک امپراتوری*، با همکاری بنیاد فرهنگی مولانا، چ دوم، تهران، امیرکبیر.
- نوروزی، محمدجواد، ۱۳۹۲، *انقلاب اسلامی ایران*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- واعظی، حسن، ۱۳۸۱، *استراتژی سلطه: تهدیدات، راهبردها، رسالت روشنفکران و آینده ایران*، تهران، سروش.
- وایت، برایان و همکاران، ۱۳۸۱، *مسائل سیاست جهان*، ترجمه سیدمحمدکمال سروربان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هیوود، اندرو، ۱۳۷۹، *درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی: از لیبرالیسم تا بنیادگرایی دینی*، ترجمه محمود رفیعی مهرآبادی، تهران، وزارت امور خارجه.